

مربی ثروت

The Wealth Coach

این کتاب را باید از اول تا به آخر بارها و بارها خواند.

بردلی جی. سوگارس

اسماعیل علی نیا



مقدمه مترجم

فقر همان مرگ بزرگ است. امام علی (ع)

هیچکس نمی تواند ادعا کند که ثروت را دوست ندارد، چرا که انسان به ذات کشش به سمت ثروتمندی دارد. فقر با خود هزار چالش و خسران به همراه دارد، از جمله تزلزل در منزلت و جایگاه انسانی و عزت نفس. ثروتمندی بر پایه شانس و احتمالات نیست، بلکه باید اصول و قواعد آن را آموخت و عمل نمود.

امروزه با جهانی روبرو هستیم که سرعت تغییرات آن از منظر تغییرات تکنولوژیکی، اقتصادی، صنعتی، فناوری اطلاعات و ارتباطات و... بسیار بالا بوده به طوری که بشر گاهی اوقات نمی تواند خود را به آن برساند. در عین حال این تغییرات با پیچیدگی های بسیار زیاد همراه می باشد. این لحظه شاخص بورس چند هست؟ قیمت طلا، ارز، مسکن، خودرو و... و همینطور در آینده با چه قیمت هایی روبرو هستیم. بازارهای مالی و پولی چیست و چطور می توان در آن سرمایه گذاری کرد؟ اینها به دانش مالی من و شما ربط پیدا می کند. **میزان ثروت ما به میزان دانش ما ارتباط دارد.** این کتاب داستان زندگی خانواده ورشکسته ای است که با آموزه های مربی ثروت خود را از دره ورشکستگی نجات و به قله ثروت می رسانند. این اثر می تواند زندگی اقتصادی و حتی اجتماعی هر شخص را متحول کند. امید است با به کارگیری اصول مطرح شده در کتاب به نقطه دلخواه خود برسید و ثروتی پایدار برای خود ایجاد نمایید. از زحمات و تلاش گروهی که نقش ارزنده ای در چاپ کتاب داشته اند تشکر و قدردانی می نمایم:

♦ سرکار خانم فائزه آملی: همکاری در ترجمه کتاب

♦ سرکار خانم راحله نائیجی: تایپ و صفحه آرایی

♦ جناب آقای میثم حسینی: طراحی جلد

اسماعیل علی نیا

عضو هیأت علمی دانشگاه

محقق و پژوهشگر در حوزه برنامه ریزی مالی

مقدمه مؤلف

هدایت و آموزش افراد برای خلق ثروت، کار آسانی نیست. قطعاً انتقال تخصص و دانش من به عنوان «مربی ثروت» به دیگران یک راه دوطرفه است. فرض کنیم شما می‌خواهید یک غذای پیچیده درست کنید که فقط من دستور پخت آن را دارم. دادن دستور پخت به شما ساده است. با این حال، به شما بستگی خواهد داشت که بروید و مواد اولیه را خریداری کنید، دستورالعمل‌ها را بفهمید (و در صورت نیاز به دنبال شفاف‌سازی باشید) و توانایی بکارگیری دستورالعمل‌ها را داشته باشید. از همه مهم‌تر، شما باید بخواهید که این غذا را درست کنید و شروع به آشپزی کنید!

خوشبختانه، دستور پخت من ساده است و در اینجا در قالب یک داستان سرگرم کننده و روان از خانواده‌ای نقل شده است که به دلیل یک بحران مخرب مالی باید ثروت‌سازی خود را از صفر و در زمان‌های مختلفی در زندگی خود آغاز کنند. وقتی که مربی ثروت در کنار دانش‌آموزان خود می‌نشیند، اساساً به آن‌ها یک دستورالعمل گام به گام ساده برای خلق ثروت می‌دهد.

من این کتاب را به صورت یک داستان نوشتم تا شما بتوانید فراز و نشیب‌های یک زندگی روزمره را هنگام طی کردن فرآیند صبورانه خلق ثروت مشاهده کنید. راه‌های متعددی برای رسیدن به ثروت وجود دارد، اما همان‌طور که در فصل‌های بعدی خواهید دید، برخی از اصول حقیقی و بسیار امتحان شده زمانی کار می‌کنند که شما آن‌ها را به کار ببرید - اصولی که نتیجه آن‌ها تضمین شده است، چه شما به عنوان یک کودک آغاز به کار کنید، چه بزرگ‌سالی که در اواسط شصت‌سالگی است. این اصول، مسیر شما به سمت ثروتمند شدن هستند.

با دنبال کردن داستان میچ^۱، ایمی^۲ و مادرشان کیم^۳ در مسیرهای بسیار متفاوتی به سمت ثروت، خواهید دید که این اصول چگونه عمل می‌کنند. از همه مهم‌تر، خواهید آموخت که چگونه می‌توانید این اصول را برای خود به کار ببرید.

خلق ثروت برای خودتان نیازمند جادو یا شانس نیست. هیچ طرح «سریع پولدار شدنی» وجود ندارد، در عین حال کار مشقت باری هم نیست. خلق ثروت یعنی استراتژی، برنامه‌ریزی و پشتکار به همراه صبر و نظم شخصی. من به شما می‌آموزم که چگونه این اصول را به کار ببرید، و بعد از آن به خود شما بستگی دارد که ثروتمند شوید یا فقیر. این واقعاً انتخاب خود شما است.

1. Mitch

2. Amy

3. Kim

فصل ۱

سورپرایز!

ایمی و میچ مک کانل^۱، دوقلوهای یک زن زیبای کالیفرنایی و پدری که هیچ وقت او را نشناختند، مشتاقانه در جایگاه ویژه مخملی در مغازه لورین^۲، بهترین خانه استیک شهر نشسته بودند. تولد شانزده سالگی آنها بود. کیم، مادرشان می خواست جشن شیرین شانزده سالگی آنها را در خانه مجلل ساحلی خود در مالیبو^۳ برگزار کند، اما میچ به آن علاقه ای نداشت - این کار برای دخترها بود. در عوض، این خانواده، میزبان مهمانی شام کوچکی شد که در آن کیم و همسرش، برایس پیترز^۴، تصمیم گرفتند

^۱. McConnell

^۲. Lorraine

^۳. Malibu

^۴. Bryce Peters

تا از بهترین هدیه زندگی پرده‌برداری کنند. دوقلوها بی‌صبرانه منتظر مادر خود و برایش بودند تا صحبت‌های دوستانه خود در لابی را تمام کرده و سوپرایز بزرگ تولد را به آن‌ها بدهند. برایش و کیم تنها چهار سال بود که ازدواج کرده بودند. برایش به عنوان یک مشاور آی تی (فناوری اطلاعات)^۱، یک زندگی تقریباً رضایت‌بخش داشت، اما تمام درآمد او برای عشقش کیم، خرج می‌شد. برایش اساساً مرد خوش‌قیافه‌ای نبود اما در زمینه کاری خود یک فرد خبره و به مدت یک دهه مدیر ارشد کیم بود، پنج سال پیش وقتی برای اولین بار کیم را ملاقات کرد، فهمید که باید او را به دست بیاورد. کیم، از زمانی که پدر دوقلوهای دوساله بدون هیچ نشانی ناپدید شده بود، مجدداً ازدواج نکرده بود و تصور می‌کرد شغل مدلینگ او برای حمایت از خود و دوقلوهایش کافی خواهد بود. او تخمین می‌زد تا جایی که به خوبی از خودش مراقبت کند - با داشتن هیکل کامل و پوست بی‌نقص، موی بلوند ابریشمی و چشمان آبی - تا بیست سال دیگر نیز در این کسب‌وکار، موفق خواهد بود. و اگر این‌گونه نشد، دقیقاً همان کاری را خواهد کرد که مادرش همیشه به او می‌گفت: «ازدواج با یک مرد پولدار به اندازه ازدواج با یک مرد فقیر، آسان است».

ادامه دارد

^۱. IT

فصل ۲

فلسه مراققات

استراحتگاه از آنچه در بروشور به تصویر کشیده شده بود، باشکوه‌تر بود. تنها در چند سال، برایش به خانواده‌اش سبکی از زندگی را نشان داده بود که آن‌ها هیچ وقت به خواب هم نمی‌دیدند، اما اینجا بهتر از هر جایی بود که دوقلوها تا به حال رفته بودند.

میچ همان‌طور که کیم مدارکش را تحویل می‌داد با تعجب به ایمی گفت «این غیرواقعی است!». صف خیلی طولانی بود، چرا که سمیناری روز بعد آغاز می‌شد و کیم مجبور شد تا مدت زمانی طولانی در صف منتظر باشد تا به جلوی صف برسد.

ایمی گفت «حق با تو است، میچ، این غیرواقعی است. ما فقط اینجا هستیم تصمیم گرفتند تا هنگامی که کیم در صف ایستاده است دور و بر را نگاه کنند. در بین طوطی‌ها، استخرها، درختان نخل، نوشیدنی‌های

استوایی، آرایش‌های عجیب و غریب گل‌ها و موسیقی اوکلول^۱ پس‌زمینه، چند علامت براق بزرگ در سراسر لابی وجود داشت. آن‌ها همه چهره یک مرد نسبتاً خوش‌تیپ را دیدند که کلمات «مربی ثروت» به همراه تاریخ، زمان و محل رویداد زیرش نوشته شده بود.

من به یک **دلیل بزرگ** نیاز دارم!

تنها راهی که با آن می‌توانم به هر چیز بزرگی دست یابم این است که یک دلیل بسیار بزرگ داشته باشم.

یک چرا؟

در سر من یا قلب من شعله‌ور می‌شود.

یا هر دو

ادامه دارد

۱. نوعی آلت موسیقی، Ukulele

فصل ۳

دلائل بسیار زیاد. زمان بسیار کم

میچ و ایمی به پنکه‌های سقفی بالای تخت‌های راحت بزرگشان زل زده بودند. همان‌طور که پره‌ها می‌چرخیدند، هر دو راجع به مربی و **دلائل بزرگ** خود فکر می‌کردند.

او به آن‌ها هنگام ترک ویلا گفته بود که به خاطر داشته باشید، این سؤالی که من از شما پرسیدم یک سؤال بنیادی است. آن را دست کم نگیرید. و من انتظار ندارم که همین فردا جواب نهایی را به من بدهید. ما در جلسات بعدی بیشتر درباره این که چرا می‌خواهید ثروتمند باشید صحبت خواهیم کرد و همه این‌ها به شما در به دست آوردن یک دلیل الزام‌آور برای این که **چرا واقعاً می‌خواهید - یا بهتر است بگوییم انتخاب می‌کنید - ثروتمند باشید کمک می‌کند.**»

دلایل منفی من

چرا

محرک‌ها کوتاه‌مدت هستند؟

اکثر افراد با یک دلیل منفی برای اثبات چیزی به کسی، خلاص شدن از بدهی، یا استعفا دادن از یک شغل بد یا بیرون آمدن از یک رابطه بد استفاده می‌کنند. اساساً، من می‌خواهم تا از نوعی درد و رنج بیرون بیایم اما این کار عموماً فقط به صورت کوتاه‌مدت به من انگیزه می‌دهد.

چرا دلایل مثبت من انگیزه‌های بلندمدت‌تر هستند؟

در کل، اکثر مردم هیچ وقت تحول به سمت چراهای مثبت را انجام نمی‌دهند.

وقتی که آن‌ها از درد و رنج خارج می‌شوند، توقف می‌کنند. برای آن‌ها متوسط بودن خوب است. من باید یک دلیل پیدا کنم تا از

متوسط به لذت بروم، لذا

من به حرکت بلندمدت با دلایل مثبت

ادامه خواهم داد.

ادامه دارد

فصل ۴

تغییرات

روز بعد کیم مشتاقانه در حال آماده شدن برای سمینار بود و چند دقیقه زودتر رفت تا اگر جین به کمکی نیاز داشت به او کمک کند. او واقعاً جین را دوست داشت و می‌توانست بگوید که مربی عمدتاً برای اجرای این رویدادهای جالب به او متکی بود.

در همین حین، میچ و ایمی صبح را صرف موج‌سواری کردند و زیاد درباره جلسات صحبت نکردند. میچ نمی‌توانست به آن دختر با موی بلند مشکی فکر نکند و ایمی نمی‌توانست فکر کردن درباره **دلیل بزرگ** خود را متوقف کند. او به این فکر می‌کرد که شاید یک موج‌سواری کوچک بتواند ذهنش را آرام کند اما فقط او را شاداب کرد و به او **دلایل بزرگ** محتمل بیشتری برای دنبال کردن دستورالعمل‌های مربی و انتخاب ثروت داد. او واقعاً

می‌خواست تا کشف کند چه چیزی برای او مهم است و به خاطر آورد که مربی گفته بود این کشف زمان‌بر است - دلایل آن‌ها ممکن است در سراسر زندگی تغییر کند.

کارها و اعمال من، شهرتم را برای من به دست می‌آورند.

من می‌خواهم

روی سنگ قبرم بنویسند «من برای هر کاری بهترین را انجام دادم».

وقتی که عمر من تمام شود تصور کن که چقدر مردم به من افتخار می‌کنند. این نوعی از زندگی است که من می‌خواهم داشته باشم.

ادامه دارد

فصل ۵

برد طوّرانی

مربی وقتی که همه دور میز نشستند گفت «ما می‌خواهیم تا بحث دیشب را ادامه دهیم. قبل از این که بحث را ادامه دهیم، بیایید مرور کنیم که شما از جلسه کوتاه دیشب چه فهمیده‌اید.»

ایمی گفت «اساساً، اطمینان حاصل کنیم که تمام اعمال ما، اعمالی هستند که ما به آن افتخار می‌کنیم.»

مربی افزود «درست است ایمی. اعمال شما امضای شما خواهند بود. شما باید درباره این فکر کنید که می‌خواهید پس از مرگتان مردم چگونه از شما یاد کنند، من درباره این اعمال صحبت می‌کنم. ثروت مهم است اما چیزی نیست که قرار باشد احترام را به خاطر آن از دست بدهیم.»

است اما به خاطر اعمال مشکوک‌ترش از او یاد می‌شود؟»

در واقع ایمی جواب این را می‌دانست. او بازیکن فوتبالی را به خاطر آورد که برایش وقتی زنده بود از این که ناگهان مرده شوکه شده بود. او گفت «مشخص شد که او یکی از بهترین بازیکنان خط حمله در NFL بوده است اما همیشه هنگامی که در حال خیانت به همسرش لو می‌رفت. نهایتاً او از NFL ناپدید شد. من فکر می‌کنم که به زندان افتاد یا چیزی شبیه این.»

تنها کار من در زندگی این است که تا جایی که می‌توانم بهترین

خودم باشم. من استعدادها و مهارت‌های خاصی دارم و

هیچ حقی ندارم

مگر این که بهترین تلاشم را بکنم و از استعدادها و مهارت‌های خودم

استفاده کنم تا بهترین فردی شوم که می‌توانم، چرا که

من این گونه طراحی شده‌ام.

ادامه دارد

فصل ۶

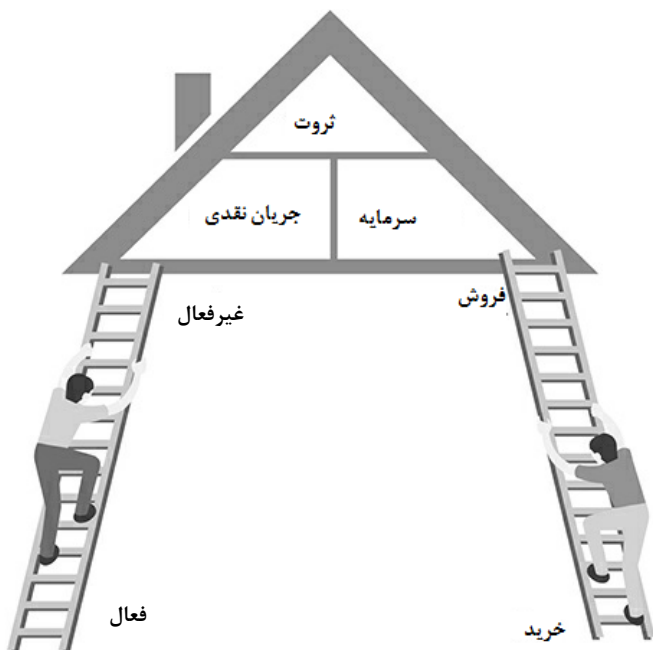
فانه‌ی پول

ایمی از این‌که می‌دید هر چه بیشتر او و برادرش با هم روی کشف دلایل فردی خود برای ثروتمند بودن کار می‌کنند، ذهن‌شان واضح‌تر می‌شود، شگفت‌زده می‌شد.

و ناگهان انجام شد. آن‌ها دقیقاً می‌دانستند چرا می‌خواهند ثروتمند شوند.

آن‌ها با هم نشستند و به صورت جدی برای یک لحظه صحبت کردند.

ایمی از دفترش شروع به خواندن کرد «**دلیل بزرگ**» من این است که برای محافظت از اقیانوس‌ها، کمک مالی جمع کنم» و سپس مشتاقانه به میچ نگاه کرد. او به هیچ‌وجه نمی‌توانست احساس جدید ایمی را بفهمد چرا که آن را تجربه نکرده بود.



ثروت

ثروت چیزی بیشتر از یک درآمد خوب و دارایی است.

ثروت حقیقی به معنای

آزادی و در اختیار گرفتن زمان هم هست.

به معنای آزادی برای انجام آنچه می‌خواهم، هر وقت می‌خواهم، هر طور که می‌خواهم و با هر که می‌خواهم.

ثروت به معنای ساختن یک درآمد غیرفعال و سپس پرورش دارایی است.

ادامه دارد

فصل ۷

خارج‌التفصیلی

اما او درباره جلسات فکر کرد و این‌که دوقلوها چقدر مشتاق بودند نهایتاً بتوانند از دانش مربی به طور عملی استفاده کنند. تنها توصیه مربی این بود که او آنچه در قلبش احساس می‌کرد درست است را انجام دهد. چرا که سرمایه‌گذاری او بالاخره داشت جواب می‌داد و از آن پول در می‌آورد، و کاربرد ثروت اگر از آن بهره نبری چیست؟ مربی به او گفت که هیچ مسیر یگانه‌ای به سمت ثروت وجود ندارد و هر یک از ما، جوان یا پیر باید راه خاص خود را انتخاب کنیم، و چند اصل خاص را نیز در ذهن داشته باشیم. مربی با این‌که می‌دانست هزینه سفر تقریباً ده هزار دلار می‌شود، نظر خود را خلاصه کرد و گفت «هر هدیه‌ای که تعیین کنی، همان مسیر

ثروتی خواهد بود که انتخاب می‌کنی، و وقتی که شروع کنی، صرف‌نظر از هر چیزی، کیم، قرار است ثروت واقعی خلق کنی، دوقلوها هم همین‌طور».

اهرم:

درک هر چه بیشتر و استفاده هر چه بهتر از اهرم

راز من

به سوی ثروت واقعی است.

ورودی به خروجی:

در ابتدا،

تلاش من و ورودی من

زیاد هستند،

اما وقتی که درست کار می‌کنم

خروجی من

- یا نتیجه -

رشد می‌کند و ورودی من به مرور زمان کاهش پیدا می‌کند.

ادامه دارد

فصل ۸

کالچ

درصد سود واقعی ثابت باقی می‌ماند، اما با افزایش مبلغی که ماهانه سرمایه‌گذاری می‌کنی، بازده پول را افزایش می‌دهی. علاوه بر این، گستره زمانی طولانی‌تری را انتخاب کردی تا از عامل زمان نیز استفاده کنی. اما می‌چ، چرا تمام سه هزار دلاری را که پس‌انداز کردی سرمایه‌گذاری نمی‌کنی؟» مطمئن نیستیم. من باید بیشتر سرمایه‌گذاری کنم، اما هیچ وقت نمی‌دانی که کی به پول نیاز پیدا خواهی کرد». می‌چ از این که ایمی آنچه او انجام می‌داد را دقیقاً فهمیده بود خوشحال بود، اگرچه احساس می‌کرد باید بیشتر از هزار دلار سرمایه‌گذاری کند. اما نمی‌دانست که چگونه به صورت هم‌زمان به دانشگاه برود، فوتبال بازی کند و یک شغل پاره‌وقت را اداره کند. خب، مربی گفته بود که ورودی اولیه زیاد خواهد بود!

حجم قطعی:

اهرم و ترکیب کردن مرا به نقطه‌ای می‌رسانند که

حجم قطعی

نام دارد و من در آنجا تمام کارها را انجام داده‌ام و نتایج هم چنان

رشد می‌کنند

و به خودی خود ادامه پیدا می‌کنند.

جنبش:

من باید به خاطر داشته باشم که افزایش ثروت یا به حرکت

درآوردن قطار، در ابتدا نیازمند

ادامه دارد

فصل ۹

مهاست به پولت باشه

من باید سرمایه‌گذاری کنم

تا ثروتمند شوم:

من می‌توانم به عنوان یک کودک با یک دلار شروع به کار کنم.

لازم نیست ثروتمند باشم تا شروع به سرمایه‌گذاری کنم، بلکه

من باید

شروع به سرمایه‌گذاری کنم تا ثروتمند شوم.

چیزی خریدن:

آخرین جفت کفش یا آن اسباب‌بازی باحال، هزینه‌اش
آینده من است.

من باید حالا سرمایه‌گذاری کنم تا بتوانم بعداً بخرم. خریدن تمام
چیزها برای آینده من در زندگی،
بی‌معنی است.

خرید بزرگ امروز، حراج وسایل منزلِ فرداست.

ادامه دارد

فصل ۱۰

میران نقدی: ضعال تا غیر ضعال

وقتی من دستمزد و زمانم را در کسب و کار

سرمایه گذاری می کنم

سود از دستمزد بهتر است. و نهایتاً من سود زیادی به دست خواهم آورد.

دستمزدها فقط زمین تمرین من برای سودهای تجاری اند.

سودهای سرمایه گذاری موفق

زمان من هستند، نه تعداد ساعاتی که کار کرده ام.

«خلق ثروت بزرگ در نتیجهی خلق کسب و کار برای خودتان رخ خواهد داد. این کار چند دلیل دارد، اما عمدتاً سیستم مالیات ستانی به نفع مالکان کسب و کار است.»

بازده سرمایه‌گذاری (ROI)

وقتی که من سود خودم را مجدداً سرمایه‌گذاری می‌کنم،

بهتر

از سود است.

سود

زمینه

تمرین من برای ROI است.

ROI به معنای سرمایه‌گذاری موفق پولم است نه زمان

«و با ارزش‌ترین دارایی ما چیست؟»

میچ با توجه به یکی از جلسات اولشان پاسخ داد «زمان ما مربی. چون تمام

می‌شود و دیگر چیزی باقی نمی‌ماند و قابل پر شدن مجدد نیست».

«درست است، میچ. عموماً به دلیل محدودیت زمان ظرفیت درآمد کارمندان

نیز محدود است. اما وقتی که سود خود را مجدداً سرمایه‌گذاری می‌کنید،

بازده سرمایه‌گذاری خود را کسب می‌کنید. شما اکنون با پول معامله می‌کنید

نه زمان. و همان‌طور که می‌دانید، پول یک منبع نامحدود است. می‌توان

عرضه نامحدودی از آن داشت. و این با زمان یکی نیست».

ادامه دارد

فصل ۱۱

آغاز

در همین حین، شغل ایمنی بسیار پیشرفت کرده بود. او اکنون مدیر عامل یک شرکت منشور و تأییدیه تجهیزات غواصی چند ملیتی بود. کار او شامل سفرهای بین ایالتی و خارجی بسیار زیادی می‌شد. او عاشق سفر کردن بود، اگرچه سفرهای کاری به آن اندازه که او تصور می‌کرد جذاب نبود. به هر حال او ملاقات با افراد جدید و غواصی در دریاها را دوست داشت. این زندگی‌اش بود. او حتی به ساکن شدن در یک جا فکر نمی‌کرد. قرار گذاشتن و تفریح با دوستان در سراسر جهان بیشتر برای او مناسب بود.

مربی حالا که نزدیک به شصت‌سالگی بود بازنشسته شده بود. او احساس می‌کرد که به اندازه کافی دانشش را گسترش داده است. ایده آموزش ثروت

برای یک دنیای ثروتمند از طریق کتاب‌ها، سمینارها، مشتریان خصوصی و فرزندان خودش در جریان بود. حالا واقعاً وقتش بود که از پاداشی که کارش برایش به همراه داشت استفاده کند، که شامل خانواده و دوستانش می‌شد.

ادامه دارد

فصل ۱۲

میانہ

«وقتی که شروع به تولید جریان نقدی کردید و من می‌دانم که هر دوی شما الان این مرحله را گذرانده‌اید، باید تصمیم بگیرید که می‌خواهید با آن چکار کنید. شما می‌توانید آن را صرف خریدن وسایل کنید یا می‌توانید از آن به طور معقول‌تری استفاده کنید تا ثروت خود را افزایش دهید. این‌ها گزینه‌هایی هستند که ما امروز می‌خواهیم درباره آن صحبت کنیم».

ایجاد سرمایه ملکی:

من الان نه تنها ملک می‌خرم بلکه

آن را توسعه می‌دهم

و می‌فروشم، و معاملات بزرگ‌تری انجام می‌دهم.

زمانی که

صرف یادگیری کردم، ارزشش را داشت.

دارایی‌های فیزیکی، جریان نقدی و دارایی‌های کاغذی:

وقتی که من جریان نقدی چشمگیری از نردبان

جریان نقدی خودم

درآوردم، زمان آن می‌رسد که یاد بگیرم چگونه شروع کنم به سرمایه‌گذاری

جریان نقدی خودم.

در ابتدا، جریان نقدی بیشتر،

دوم دارایی‌های فیزیکی،

و سوم دارایی‌های کاغذی.

و سپس آن را انجام دهم!

ادامه دارد ...

فصل ۱۳

سرمایه‌گذاری مجدد

«آنچه من امروز برای شما دارم یک بحث مختصر درباره چیزی است که شما باید از این بعد به آن فکر کنید. می‌بینید، حالا که شما موفق شدید، به آخر راه نرسیده‌اید. شما هم چنان مسئولیت‌های خاصی در این حوزه دارید».

مربی نسخه‌ای از برگه خودش را برداشت و آن را با یک روش بسیار سریع که سال‌ها قبل برای غلبه بر لحظات احساسی آموخته بود، خواند.

خرج کردن بازده سرمایه‌ام

احمقانه است.

افراد زیادی اولین ملک سرمایه‌ای خود را می‌فروشد و یک قایق می‌خرند. من باید سرمایه‌ام را مجدداً سرمایه‌گذاری کنم.

«اولین درس امروز این است که اطمینان حاصل کنیم شما متوجه شده باشید که نباید تمام رشد سرمایه خود را خرج کنید. این کار مانند کشتن غازی است که تخم طلا می‌گذارد. به دنبال عایدات تلاش خود باشید. آن را پرورش دهید و این عایدات برای همیشه به شما پاداش خواهند داد».

خرج کردن بازده سرمایه‌ام
احمقانه است.

افراد زیادی اولین ملک سرمایه‌ای خود را می‌فروشند و یک قایق می‌خرند. من باید سرمایه‌ام را
مجدداً سرمایه‌گذاری کنم.

ادامه دارد ...

دوره‌ی یکساله

برنامه‌ریزی مالی

و

کوچینگ ثروت

ثروت توبه اندازه‌ی دانش توست.

یکسال آموزش ببین یک عمر جاودانه زندگی کن.

وارد لینک زیر شوید:

HesApp.ir

www.NashreFekreSabz.ir



malidarmani_Alinia

قدرت درآمد غیرفعال

شرکت نایتینگل کونانت
اسماعیل علی نیا

این کتاب به شما کمک می‌کند تا مهارت‌های نهفته در خود را بارور سازید و به پول، ثروت و قدرت تبدیل کنید. پس از مطالعه کتاب شما قادر خواهید بود یک سبد درآمدی برای خود تشکیل دهید تا استرس بی‌پولی برای همیشه از زندگی شما رخت بربندد. با قدرت درآمد غیرفعال، درآمدی که وابسته به ساعت حضور شما در شرکت نیست مثل سرمایه‌گذاری در بورس، تولید محتوا و اثر ارزشمند، سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات و ...، طعم آزادی را حس کنید و زمان بیشتری به خود، خانواده و جامعه اختصاص دهید.

مدرسه میلیونر

ترجمه و تالیف: اسماعیل علی نیا
کاظم هارونکلایی

سرمایه‌گذاری در بورس از جذاب‌ترین و پربازده‌ترین بازارهای جهان است. به طوری که در برخی برهه‌های زمانی با خرید یک سهم به مدت کمتر از یکسال ثروت شما تا ۱۰ برابر هم می‌رسد. البته بورس فراز و نشیب‌های زیادی دارد و بازاری است که به میزان دانش خود و زمانی که اختصاص می‌دهید بازده به دست می‌آورد. این کتاب به صورت فوق تخصصی شما را با بورس، سهام، عوامل مؤثر بر قیمت سهام و روانشناسی خرید و فروش سهام آشنا می‌سازد و کمک می‌کند با اختصاص کمترین زمان یک سبد بهینه سهام با کمترین ریسک و بالاترین بازدهی تشکیل دهید.